



وقتي که شب از زمین دل نمی‌کند

ننه سرما با زنبیل برفی اش که از راه می‌رسد، بانوی آذر با برگ‌های زرد و کودکان رنگ‌پریده اش وداع می‌کند.

بلندای شب یلدا از پنجره جام جم آنلای

جام جم آنلای: ننه سرما با زنبیل برفی اش که از راه می‌رسد، بانوی آذر با برگ‌های زرد و کودکان رنگ‌پریده اش وداع می‌کند. در آخرین شب حکمرانی سلطان فصل‌ها، زمینی‌ها هم به شب نشینی آسمان دعوت شده‌اند. لب‌های گل‌انداخته هندوانه‌ها در شوق قاچ شدن، سرخ‌تر از شب‌های قبل می‌شود و درختان نیمه‌لخت پاییز، از شرم چشم‌های بیدار ماه، لابلای پیراهن بلند یلدا قایم می‌شوند.

مماس با آخرین بوسه پاییز، لب‌های قیطانی غنچه‌ها، به سرمای طولانی‌ترین تاریکی سال غنود می‌کنند و خزه‌های یخ‌زده و کز کرده نیمه‌شب، تازه یادمان می‌آورد که از این پس باید به فردا بگوییم؛ "زمستان!"

شب یلدا یا همان شب چله، دیرسالیانی است که با فرهنگ این کهن بوم گره خورده است و چه بسیار پیر و جوانی که در فرخنده باد این شب دیر انتها، گرد هم می‌آیند و با پسته‌های خندان سفره‌های یلدا، هم‌نوا می‌خندند.

یلدا به معنای تولد است و اگر نیک‌بگیریم که فردای پس از شب یلدا، خورشید ما رخشان‌تر از روزهای قبل می‌تابد، دلیل این نام‌گذاری را بهتر درمی‌یابیم.

"زایش مهر و خورشید" همان تجلی یلداست که تداعی فردایی پرنورتر و جشن تسلط انوار بر ظلمات را یدک می‌کشد.

این جشن ملی، تاریخچه‌ای بالغ بر هفت هزار سال دارد که پارسیان کهن در این شب، میوه‌های انبار شده را در بزمی‌مجل در جوار یکدیگر می‌چیدند و تا طلوع صبح به سرور و شادی می‌پرداختند.

در شب یلدا، بازار گرم شاهنامه خوانی و تفال به دیوان حافظ نیز بین ایرانیان مرسوم است و گندم برشته، هندوانه، مغز گردو، نخودچی و کشمش و هر آنچه که رنگ و بویی از لبخند داشته باشد، در سفره‌های یلدا خودنمایی می‌کند.

میرجلال‌الدین کزازی، استاد برجسته زبان و ادبیات فارسی عنوان می‌کند که ایرانیان باستان بر این اعتقاد بودند که در این شب، مهر یا همان میترا زاییده خواهد شد.

"شب یلدا در نخستین شب از دی ماه برگزار می‌شود که درازترین شب سال هم هست و در چنین شبی نیاز به خورشید و دمیدن آن بیش از هر زمان دیگری جان‌ها را بر می‌انگیزد و به شور می‌آورد. از این روی ایرانیان می‌کوشند این شب را با دمیدن خورشید به شیوه‌های گوناگون زنده بدارند که نخستین بر خوان شب یلدا یکی از این آیین‌هاست."

هم‌اکنون نیز بسیاری از ایرانیان برای مشاهده ملموس‌تر تولد خورشید، به برخی از نقاط خاص ایران گام می‌نهند تا شب یلدا را تا زادروز تولد خورشید به انتظار بنشینند.

چارتاقی‌های نیاسر، نویس و بتخانه آتشکوه از جمله اماکنی است که هر ساله برخی از هم‌وطنان علاقه‌مند به ستاره‌شناسی و باستان‌شناسی را گرد هم می‌آورد تا برای سالروز میلاد خورشید شادباش برپا کنند.

فریدون جنیدی، بنیانگذار بنیاد فرهنگی نیشابور و متخصص اسطوره‌شناسی نیز بر این باور است که حکیم خیام نیشابوری، یکی از برجسته‌ترین شخصیت‌هایی بوده که پایدار ماندن سنن‌های شب یلدا، مدیون اهتمام اوست.

"احترامی که پادشاهان به خیام می‌گذاشتند باعث شد دست او در اصلاح گاه‌شماری ایرانیان باز شود. با اصلاح گاه‌شماری بار دیگر فرهنگ و آیین ایرانی زنده شد. سامانیان که دوستدار فرهنگ ایرانی بودند، دانشمندان و وزرای ایرانی را بدون ممانعت نگهبان می‌پذیرفتند و این نشانه فرهنگ غنی ایرانی است."

"ما شب چله را جشن می‌گیریم تا یاد بزرگانی همچون خیام و نیاکان دورتر از خیام را گرامی بداریم."

بسیاری از محققان بر این اعتقادند که جشن شب یلدا توانسته است تاثیری فرامی از خود بر جای بگذارد؛ به گونه ای که هم اکنون چارچوب های این آیین باستانی ما در فرهنگ ملل دیگر نیز نفوذ کرده است.

مصریان چهار هزار سال قبل نیز در شب یلدا، به مدت 12 شب به رقص و پایکوبی مشغول می شدند و مردمان یونان باستان نیز این شب را خجسته می پنداشتند و به آن جشن "خداوند خورشید" می گفتند.

دو دین مطرح یهود و مسیحیت نیز از جشن ایرانیان در بلندترین شب سال متأثر بوده اند و علاوه بر این که یهودیان در این شب، مراسمی به نام "جشن درخت" برگزار می کردند، بسیاری از آئین مسیحیان هم ریشه های عمیقی در تاریخ شب یلدا دارد.

جشن میترائیسم رومی (برگرفته از آئین مهر پرستی در ایران) به طور کامل برگرفته از فرهنگ نهفته در دل شب یلداست و حتی بعدها که مسیحیان روم، این جشن را با زادروز حضرت مسیح ترکیب کردند، در نتیجه دو واقعه مهم در این ممالک مسیحی، کاملاً از آئین ایرانی ها ریشه گرفت.

به هر روی، حتی شب یلدا هم با تمام بلندی اش، خیلی زود ترک ما را بر قرار برمی گزیند اما چه خوش است که در این شب شادی و تولد خورشید، دلی از دست رفته را به کف آوریم و کینه های سیاه را میان حجیم ترین تاریکی سال رها کنیم.

امین جلالوند خبرنگار جام جم آنلاین